

شماره ۱۸

مجله تخصصی سیمرغ باریخ

اندیشه سیمرغ باریخ

نبض زندگی زیر پوست اعتراض ۳



باریکه نیوز در کنار شما برای آینده ایران و ایران آینده

<https://barikhnews.com>

مجله تخصصی سیمرغ باریخ

شماره ۱۸ سری جدید ۴

مدیر اجرایی : دکتر مرجان نقوی

مدیر فنی و ناظر کیفی انتشار: نوری



فهرست سیمرغ باریخ

- سخن سیمرغ باریخ
- نبض زندگی زیر پوست اعتراض ۳
- نقش رسانه ها و شبکه های اجتماعی بر جنبش های نوین اجتماعی
- دوره آموزشی آینده مدیریت آینده در حوزه کار و کسب
- پیش بینی:
کشف آینده در پرتو کاوش اثبات گرایانه متکی بر روش شناسی کمی



سخن سیمرغ

درود ومهر فراوان من را پذیرا باشید. نهمت آن دارم که در هر جا و هر زمان از زمانه ی زیست طبیعی خود به سر می برید پویاتر از همیشه به آینده ایران و ایران آینده بیانده بشیم و هر کدام ما در کنار دیگر آدمیان به مشق آدمیت پردازیم جهان آینده به ناسیونال انترناسیونالیسم خواهد پیوست. مردمان زادگاه خود را پاس خواهند داشت. اما در زادگاه و جغرافیای زاده شده خود بسنده نخواهند کرد. «جهان بسیط و وطن فراخ» رودروی ما است. ناگزیر هم شده باید در گسترش آزادی و دموکراسی به عنوان سبک زندگی کوشا باشیم و زندگی مان مملو از موفقیت باشد .

شماره هیجده از مجموعه شماره های مسلسل و شماره چهارم از سری جدید «سیمرغ باریخ» نشریه الکترونیکی تقدیم حضور می شود. امید دارد به همت دوستان عزیزم به زودی پادپخش - پادکست - مجله نیز تقدیم حضور شود. همچنین به شکل محدود و هدفمند به صورت چاپی نیز برای علاقمندان ارسال گردد .

از سرکار خانم نقوی و نوری سپاسگزارم و از شما که هستید و در کنار ما استید ممنون و خدایم را شکرگزار هستم .

مهدی مطهرنیا



نبض زندگی زیر پوست اعتراض ۳

نقش رسانه ها و شبکه های اجتماعی بر جنبش های نوین اجتماعی

مهدی مطهرنیا

مقدمه:

در پایان بخش دوم این عنوان در تحلیل آینده نگرانه جنبش اعتراضی و متمایل به جهت گیری انقلابی در ایران امروز، برای گریزاز «مکعب فروریزش - مرگ - فاصله ها و نقش رسانه ها درگسترش زیباشناسی اعتراض»، گفته شد. در شماره قبل به دلیل انتشار مقاله کاپلان و اهمیت آن همراه با مقاله تکمیلی در باب آن این مهم بر روی زمین ماند. اکنون تحت عنوان فوق بر آن هستم تا موضوع را از این دریچه نظر مورد پروا قرار دهم.

در رساله ی «آینده رسانه و نقش آن ها در جنبش های نوین اجتماعی»، با توجه به پارادایم های سه گانه معرفت شناسی ناظر بر آینده پژوهی پیش بینانه، پیش نگرانه، و پیش نگارانه، و اصول نه گانه ی ناظر بر هر کدام از این پارادایم های اثبات گرایی - پوزیتویستی - کوهنیستی - پساپوزیتویستی - و واقع گرایی انتقادی - پسا پساپوزیتویستی - در دیدگاه ونل بل، بر آن شده است تا با تاکید بر مبنای جدیدی از معرفت شناسی با ده ویژگی - طرح شده در رساله در مورد آن - زمینه پرور پارادایم جدیدی تحت عنوان «خردورزی انتقادی یا تخیل پروری فعال - آینده پروری - و سورئالیسم انتقادی - آینده گمانی»، شود و بر مبنای آن با



تاکید بر این مبنای معرفت شناسانه، پارادایم آینده‌نمایی یا آینده‌پروری را در ساحت آینده‌پژوهی طراحی نماید.

بر اساس این پارادایم و با بهره‌برداری از آنچه بیان شد؛ در رساله مذکور شش تئوری معنادار تحت عناوین:

- تئوری مازاد نشانه‌ها،
- تئوری هویت‌های تک‌سرنشین دانش بنیاد،
- تئوری اتاق شیشه‌ای،
- تئوری رهبری رسانه‌ای،
- تئوری آموزش توده‌گرا و تعالی‌گرای رسانه‌ای، و
- دین و فرهنگ رسانه‌ای

را به عنوان؛ مبانی نظری حاکم بر سناریوپردازی مطلوب از آینده رسانه‌ها؛ در نظر گرفته شد. در این رساله، نویسنده با بررسی نقش صنایع رسانه‌ای و سناریوهای ناظر بر آن در اسناد موجود؛ به بررسی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های موجود در آینده رسانه‌ها پرداخته است.

در این رساله با توجه به خردورزی انتقادی یا تخیل‌ورزی فعال، شش سناریو از یکدیگر منفک شده و با ارائه این شش سناریو بر آن شده است تا به نقش آینده رسانه‌ها بر جنبش‌های نوین اجتماعی به عنوان نتیجه‌گیری نهایی نایل آید.

جدای این جهت‌گیری باید به این نکته توجه داشت که در عصر حاضر گذار از دهکده جهانی مک‌لوهان، و جهان مسطح مک‌لوهان روی داده است و آن چه تحت عنوان اتاق



شیشه ای هم بیان نموده ام دست به دست گوی بلورین داده و با سرعت به سمت فلک آبگینه در حرکت است.

امروزه استفاده از تلفن همراه و فناوری اینترنتی به دلیل سهولت و جذابیت آن، نفوذ بیشتری در زندگی اجتماعی و سبک زندگی مردم پیدا کرده است (حسینی پاکدهی و حاج محمدی، ۱۳۹۰). بدین معنا که تلفن همراه و برنامه های متفاوت در آن نظیر شبکه های مختلف اجتماعی در عصر حاضر چنان با زندگی افراد عجین شده که می توان اذعان نمود به بخش جدایی ناپذیری از زندگی افراد مبدل شده است. می توان گفت که در جهان کنونی هیچ حادثه ای، و لو در دورترین جاها، منحصر به یک منطقه جغرافیایی نیست. از اینرو سه ویژگی فرازمانی، فرامکانی و سرعت فوق العاده از خصیصه های شبکه ها و وسایل ارتباط جمعی در عصر حاضر است (ساروخانی، ۲۷: ۱۳۹۱).

در همین حال رسانه های اجتماعی همواره موضوع داستان سرایی، گمانه زنی و هراس و اطمینان، بیم ها و امیدهای ایدئولوژیکی بوده اند. از یک سو دریچه های مهم و پر پهنایی را بر روی اشکال آگاهی های بیشتر و گاه نوینی بر دموکراسی گشوده اند که جان تازه ای به سپهر عمومی بخشیده است. این شبکه ها در همین حال می توانند منشا خلق ثروت، اشتغال، رشد شغلی، تغییرات سیاسی، انقلاب ها و جز آن باشند. در عین حال، برخی دیگر بر این باورند که رسانه های اجتماعی سبب گسترش جنایت، ترور، زن ستیزی، نفرت پراکنی و مشابه آن شده اند.



واقعیت آن است که امروزه سرمایه‌داری، بحران، طبقه و روابط نابرابر قدرت وجود نظام های اقتدارگرا و دیکتاتور منشانه در جهان مدرن، بافتار اصلی شبکه‌های اجتماعی و جامعه در کلیت آن را تشکیل می‌دهند. این واقعیت امر واقعی را تشدید می‌کند که در آن در سطوح گوناگون صحن عمومی جوامع در جغرافیای گسترده جهانی، پهنا پذیرفته اند و به این صورت نوعی «نوتطبیق گرایی» را گسترش بخشیده اند. این نوتطبیق گرایی می‌تواند بر سازنده دوره ای دیگر از دوران اومانیستی را بر سازد که نام آن را «اومانیسم رهایی» خوانده ام. بهره برداری در ست از این فرصت بزرگ تاریخی می‌تواند دربرگیرنده تلاشی برانزنده برای معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی به عنوان سرچشمه تربیت و گسترش «آدمیت ایرانی» باشد. دوباره ایران را بر سازد. نام ایران و گزاره های آدمی پرور فرهنگ ایرانی در پرداخت و ساخت تمدن بزرگ ایرانی را به نمایش گذارد.

گفته می‌شود جبرگرایی فناورانه به شکل مبالغه‌آمیزی درباره نقش فناوری در جامعه گزافه‌گویی می‌کند و این واقعیت را نادیده می‌گیرد که فناوری صرفا در بطن جامعه کار گذاشته شده و این نه فناوری، بلکه انسان‌ها هستند که با شورش علیه روابط قدرتی که بر حیات آنان مسلط شده، دست‌به‌کار خلق خیزش‌ها و انقلاب‌هایند. ظهور فناوری‌های نوین البته اغلب چنانکه وینسنت موسکو تاکید کرده منجر به «فورانی حسی می‌شود که به طور موقت خرد را از توان می‌اندازد».

اما مشکل آنجاست که جبرگرایی فناورانه بر اقتصاد سیاسی رخدادها چشم می‌بندد. در این بین، جبرگرایی در باب رسانه‌های اجتماعی نمودی از تعالی دیجیتال است که به باور موسکو، «فضای سایبر را به تازه‌ترین تمثال تعالی فناورانه و الکترونیکی بدل می‌کند؛ تمثالی



که هم بابت مشخصه‌های دوران‌ساز و متعالی‌اش ستایش می‌شود و هم به‌خاطر عمق شرارت‌هایی که فرا می‌خواند مورد لعن و نفرین است»
(<https://www.asriran.com/fa/news/۶۸۹۸۳۰>).

از این رو، هر روندی را که ناقص است و در سیستم گردش کار، نارضایتی ایجاد می‌کند اصلاح کنند تا اعتماد جامعه جدی‌تر و عرصه برای انجام پروژه‌های بزرگ‌تر، بازتر شود.

اما این فرصت از دست رفت. ۱۴۰۰ و موضع نظام در قبال انتخابات آن عبور از اصلاحات را کامل کرد. پژواک آن در آرای صندوق‌ها هویدا بود.

شبکه‌های مجازی به عنوان جماعت‌های مجازی در فضای سایبر از طریق گروه‌های ایمیل، وبلاگ و سایت‌ها و کانال‌های گوناگون محیطی را برای تبادل آراء و

عقاید به وجود می‌آورند (اشرف نظری و قلیپور، ۱۳۹۷). در برخی از این شبکه‌های اجتماعی درجه‌ی تعاملی و دو طرفه بودن ارتباط بسیار بالا است و در موارد متعددی مصرف‌کننده خود به تولیدکننده تبدیل می‌شود (باستانی، خانیکی و ارکان زاده یزدی، ۱۳۹۷:۳).

به‌طور مثال در شبکه اجتماعی اینستاگرام، کاربران از طریق اشتراک‌گذاری عکس، ویدیو، پخش زنده و فالوو کردن صفحات یکدیگر در سراسر دنیا خود به صورت فعالانه و خلاقانه درصدد تولید محتویات و تبادل تجربه‌های زیسته برمی‌آیند. کاربران در اینستاگرام می‌توانند دوست‌یابی کنند، به بحث و تبادل نظر بپردازند، تصاویر و فیلم‌هایی را که دوست دارند به اشتراک بگذارند و این فرصت را به دست آورند تا درباره علاقه‌مندی‌ها و مطالب دیگران اظهار نظر کنند (افراسیابی، ۱۳۹۲، به نقل از فرقانی و مهاجری، ۱۳۹۷:۲۶۰).



در خط پایاتی بخش نخست از این کوشش نوشته شد: «ادامه این مطلب را در چارچوب تئوری بافتار بندی و مکعب های فروریزش و فروپاشی در شماره بعد دنبال خواهیم کرد». اکنون در ادامه به مطالبی در این مورد اشاره خواهد شد.

از بعد دیگر شبکه های مجازی نظیر اینستاگرام با تنوع کارکردیای که دارند سبب تغییراتی در روابط انسانی، سبک زندگی و فرهنگ ها شده اند. افراد در چنین فضایی به صورت جهانی در محل خود زندگی می کنند، شبانه روز در معرض ارتباطات تازه هستند.

با ارزش ها و هنجارها، و آیین های تازه ای مواجه و آشنا می شوند که منجر به سبک زندگی و مصرف خاصی می گردد (عاملی، ۱۳۸۸ نقل از محمدی، جمال و رضی پور پرنیا ۷۵-۱۰۵: ۱۴۰۱). به تعبیر، مانوئل کاستلز «با ایجاد

شبکه های مجازی برای اولین بار در رسانه ها، ابرمتن و فرازبانی شکل گرفته است که شیوه های مکتوب، شفاهی، دیداری و شنیداری ارتباطات انسانی را در قالب یک سیستم، یکپارچه می سازد. این پدیده که شاه راه اطلاعاتی نام دارد به دلیل قابلیت یکپارچه سازی متن، تصویر و صدا در یک سیستم و شبکه جهانی ماهیت ارتباطات را دستخوش دگرگونی هایی ساخته است و از آنجا که ارتباطات نقش تعیین کننده در فرهنگ را دارند، فرهنگ نیز به تبع دگرگونی فناوری جدید در حال دگرگونی بنیادین است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۴۵). اینستاگرام از بدو فعالیتش تاکنون رشد سرسام آوری داشته و به عنوان یکی از شبکه های اجتماعی محبوب و پرطرفدار درآمده است.

در ایران به دلیل فیلتر شدن شبکه های مثل تلگرام، یوتیوب و توئیتر، اینستاگرام به عنوان اصلی ترین شبکه های اجتماعی محسوب می شود که نقش مهمی در فرهنگ تصویری



و سبک زندگی جامعه ایفاء می کند. وجود صفحات مختلف در شبکه اجتماعی اینستاگرام نشاندهنده این امر است که کاربران ایرانی با اهداف و مقاصد مختلفی به ایجاد و پیگیری صفحات گوناگون می پردازند. از طرفی فقدان پژوهش جامعه شناختی در باب دسته بندی و تحلیل محتوای صفحات کاربران ایرانی مسئله ای بسیار مشهود و واضح است (محمدی ، جمال و رضی پور پرنیا ۷۵-۱۰۵: ۱۴۰۱).

رسانه مجموعه افزارمندی ها - وسایل و مکانیسم هایی - که امواج معانی را در قالب پیام های گوناگون با رمزگان متفاوت به اذهان مخاطب انتقال می دهند، و به این وسیله دانش، رفتار، و کنش های مخاطبان خود را تحت تاثیر قرار می دهند.

در دریچه ی نگرش آینده پژوهانه به آینده رسانه؛ خواه ناخواه رسانه های آینده نیز در زاویه دید قرار می گیرند. اگرچه، در این پژوهش آینده رسانه ها مد نظر است؛ اما، در نهایت باید اذعان داشت که آینده رسانه ها، با پروای تعریفی که از رسانه به میان آمد در پرتو رسانه های آینده تعریف پذیر می شود .

اگر سه دانشواژه ی «دریچه نگرش»، «زاویه دید»، و «مرکز نگاه»، را در یک پیوستار معنادار برای بررسی پدیده ای به نام آینده رسانه در نظر گیریم؛ باید اذعان داریم که از دریچه نگرش این تعریف باید زاویه ی دید نگاه به «آینده ی رسانه ها» را به عنوان «مرکز نگاه» پژوهش، بر «رسانه های آینده»، قرار دهیم. چرا که:

رسانه ها وسایل شگرفی هستند که مظهر ارتقای تکنولوژیکی انسانند .

رسانه ها پرتاب جوامع را به سوی آینده موجب می شوند .



رسانه ها در پیدایی عادات تازه، تکوین فرهنگ های جدید جهانی، تغییر در رفتار و خلق و خوی انسان ها و روش های زندگی و بالاخره کوچک شدن کره زمین و همسایگی ملل دوردست سهمی شگرف بر عهده گرفته اند .

زمانی که این ویژگی ها در هم تنیده می شوند آینده رسانه معنایی خاص پیدا می کند و بر موجودیت رسانه ای آینده انطباق شکلی پیدا می کند. این انطباق شکلی آینده رسانه ها با رسانه های آینده در دو وجه:

- آرایش شکلی

- آرایش محتوایی

قابل تصور است . از منظر آرایه شکلی این فناوری رسانه ای و شکوفایی آن است که موجب درهم تنیدگی عناصر آینده رسانه با رسانه های آینده می شود. این در حالی است که از منظر محتوایی این پرتاپگری رسانه ها به سوی آینده، و نقش آن ها در پیدایی عادات تازه، تکوین فرهنگ های جدید جهانی، تغییر در رفتار و خلق و خوی انسان ها و روش های زندگی و بالاخره کوچک شدن کره زمین و همسایگی ملل دوردست است که موجب انطباق و در هم تنیدگی آرایش محتوایی دو مفهوم آینده رسانه ها و رسانه های آینده می گردد .

از همین رو بر آن بودم که در این جستار با در نظرداشت آنچه تاکنون آمده است با بیان یک مبنای معرفت شناسانه ی مورد نیاز و شش جهت گیری تئوریک به بیان این مهم و رسیدن به هدف مورد نظر تعریف شده در آن دست یابم.

بر اساس آنچه در نوشتار قبل در شماره ۱۶ آمد به رسانه ها و شبکه های اجتماعی به اندازه کافی پرداخته شد. این گفتار طولانی در ادامه ی ان مقدمه ای بود برای ایجاد پلی ارتباطی از معانی و مفاهیم به هدف قبول این نکته که در جهان حاضر فرایندهای



«فروریزش و فرآمدگی، فروپاشی و فرآمدگی» سرعت و شتای معناداری را در بستر «اثررسانه ای» دارا هستند. به گونه ای که فرایند یا روند آن را در جوامع شتاب می بخشند.

مکعب فروریزش^۱

بحران‌ها زنگ خطر برای جوامع هستند. زنگ‌هایی که از گریزناپذیر بودن و ضرورت تغییر نشان دارند. بحران‌ها ناشی از فربه شدن تهدیدها و محدود شدن فرصت‌های موجود در چالش‌ها^۲ هستند. از به هم چسبندگی چند بحران با ژرفا، دارای بلندا و پهنا قابل پروا، "مکعب فروریزش"، نه "فروپاشی رژیم‌ها"، شکل و محتوا می‌پذیرد. این بحران‌ها «آرایش شکلی و محتوایی فروپاشی» را حاصل می‌نمایند و آن چه حلقه ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌شود و به هم چسبندگی موثر آن‌ها را در نهایت فراهم می‌سازد، بیانگر حرکت از فروریزش به فروپاشی خواهد بود.

بحران نخبگان

بحران نخبگان^۳ در باند پریهنای نبرد نخبگان و در گستره اضلاع مکعب طلائی قدرت، معنادار و تعریف پذیر می‌شود.

در وجه نخست از این مکعب میان وجوه چهارگانه قدرت در این مکعب، و اعمال آن واگرایی شدید معطوف به رودرویی دیده می‌شود. این اضلاع عبارت هستند از:

حاکمیت یا عنصر ذهنی قدرت و اعمال آن – بافتار قدرت -

^۱ بخشی از کتاب بافتاربندی و مکعبهای فروریزش و فروپاشی رژیم‌ها

^۲ Challenge

^۳ Elitis Crisis



- حکومت یا عنصر عینی قدرت و اعمال آن - ساخت قدرت -
- دولت یا عنصر مدیریت قدرت و اعمال آن - ساختار اعمال قدرت -
- عنصر اجرایی قدرت و اعمال آن در مقام - عاملیت قدرت -

کنش آفرینان «رهبران».

کنش ورزان «مدیران».

کنش گران «مجریان».

در اینجا نخست در سه سطح زیر شاهد بروز رودرویی هستیم که با تکمیل آن‌ها در یک بازه زمانی مشخص منجر به بروز کامل "نبرد نخبگان" می‌شود. رودرویی در سه لایه:

سطح سه بین هواداران گروه‌های مختلف قدرت

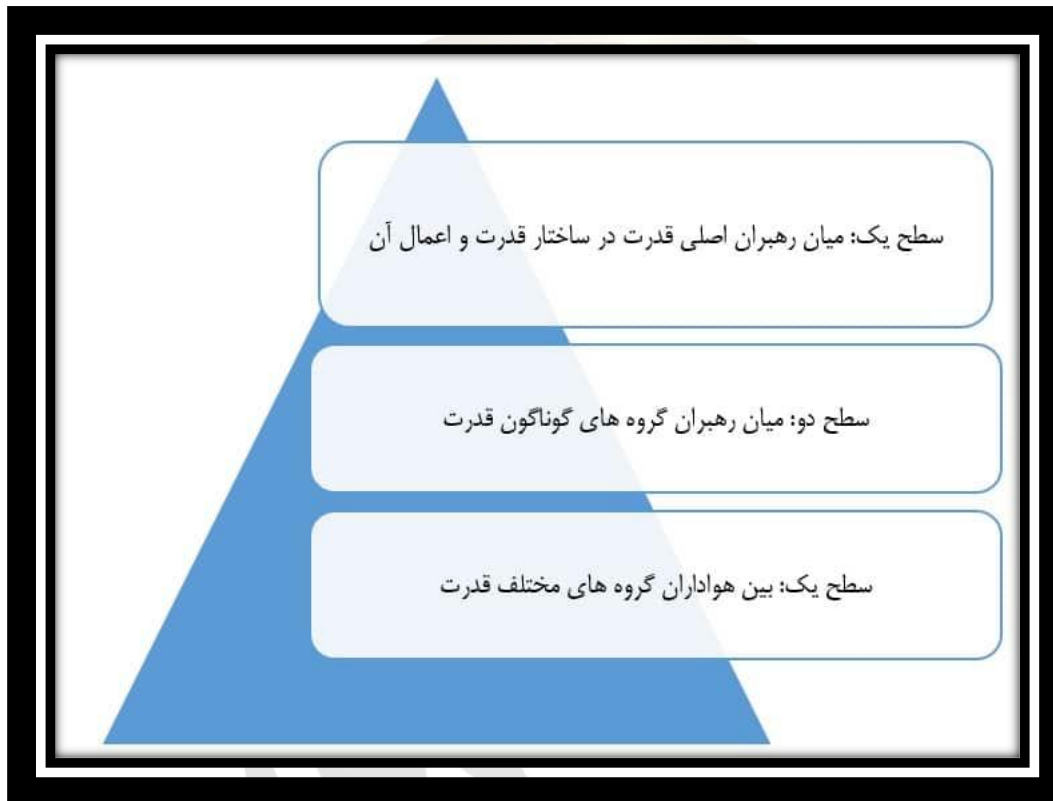
سطح دو میان رهبران گروه‌های گوناگون قدرت

سطح یک میان رهبران اصلی قدرت در ساختار قدرت و اعمال آن.

رُخ می‌دهد. با ورود این رودرویی از سطح سه به دو و انتقال آن به سطح یک، این وجه در "درون خود" کامل می‌شود.

بروز سطوح مذکور از سطح عاملیت‌ها به سطح عناصر اجرایی در حوزه عینی تشری پیدا کرده و وجوه ذهنی شکاف ملت - دولت و ملت - حکومت و حاکمیت را به سطح ملت - حاکمیت می‌کشاند و مشروعیت یک رژیم سیاسی را با تزلزل درونی روبرو می‌سازد.





سطوح سه گانه نبرد نخبگان

بحران کارآمدی

«کارآمد»، دانش واژه ای است که به زیرمجموعه معناداری از واژگان بازمی‌گردد. «باتدبیر، حاذق، خبره، فعال، کارآ، کارآزموده، کارآمد، کاردان، کارکشته، کاری، و ماهر» در معنای آن مورد پروا است.

کارآمدی ۴ به استفاده بهینه از توانایی و مهارت‌های موجود حرفه‌ای برای حصول به حداکثر خروجی در انجام کار، ماموریت‌ها و یا وظایف شغلی و ... با بهترین، دیدگاه‌ها، ساده

⁴ Efficiency Crisis



ترین، سریع ترین روش ها ... همراه با حداقل ضایعات و هدر رفتن انرژی ها و منابع، اشاره دارد. از این رو زمانی که:

توانایی ها و مهارت های موجود

استفاده بهینه از آن ها

تلاش حداکثری در استفاده از آن ها

انجام فعالیت ها در ساحت های رفتاری و کنشی و در عرصه های گوناگون زندگی

و تلاش روزافزون مداوم و پیوسته برای انجام فعالیت ها با بهترین، دیدگاه ها، ساده

ترین، و سریع ترین روش ها

به همراه گریز از هدر دادن منابع و انرژی ها

در جامعه هدف، دیده نشود این جامعه دچار بحران کارآمدی شده است. این بحران

موجد بحران های بسیاری می شود.



بحران کارآمدی



بحران اعتماد

اعتماد گوهر سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی یعنی «ارتباطات میان افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مشترک و اعتمادی که برخاسته از آن است». اعتماد به نظام سیاسی و حکومت یکی از مهم‌ترین اشکال سرمایه اجتماعی است.



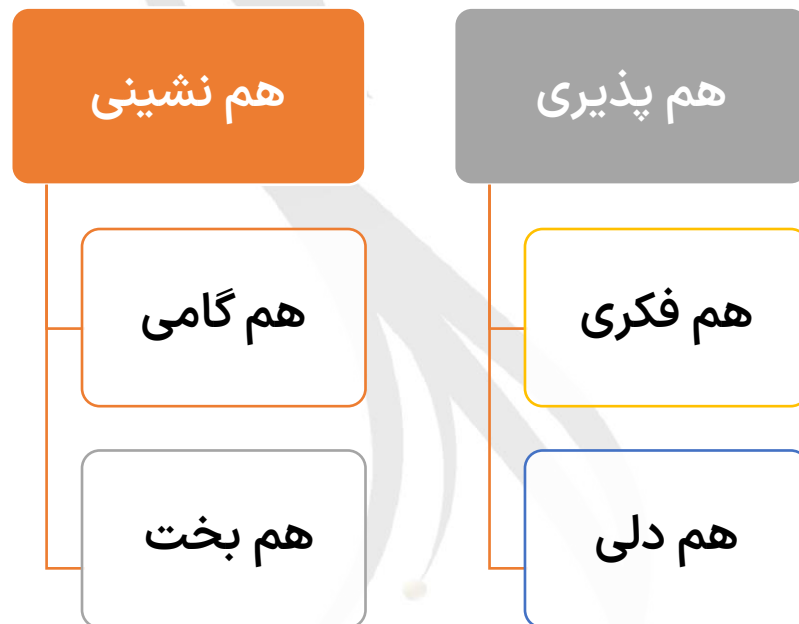
اعتماد مردم به حکومت حتی در نظام‌های دموکراتیک با چالش روبرو است و به شکل منطقی در نظام‌های غیردموکراتیک بسیار مسأله‌ساز و در صورت عدم حل مسایل بحران‌زا است.

منظور از اعتماد، به نظر مثبت و مشارکت محورانه مردم با تک تک نهادها و سازمان‌های موجود در لایه‌های گوناگون حیات ملی باز می‌گردد.



زمانی که مردم به بعضی از این سازمان‌ها و نهادها، نه تمامی آن‌ها نگاه مثبت ندارند، ولی، کلیت سیستم و نظام حاکم را هنوز قبول دارند، بحران اعتماد ۵ به وجود آمده است. در این جا است که گروه‌های مرجع در نظام‌ها به سرعت جابجا و جایگاه خود را از دست می‌دهند.

در این جا است که مکعب روبیک همگرایی و وجوه ششگانه آن با از هم پاشیدگی اولیه روبرو می‌شود و پسین ماندگی یا عقب ماندگی مشروعیت بروز اولیه پیدا می‌کند. چرا که در دنیای مدرن و فرامدرن کنونی بیش از گذشته مشروعیت وابسته به کارآمدی رژیم‌های گوناگون در پاسخگویی به نیازهای واقعی و خواسته‌های پیشاروی مردمان تحت حاکمیت و حکومت آن‌ها است.



یعنی وجوه ششگانه:

⁵ Crisis of Trust



هم پذیری

هم نشینی

هم فکری

هم گامی

هم دلی

هم بختی

دچار درهم ریختگی می‌شوند و تعامل‌های درونی سیستم مختل می‌شوند. این خود زمینه پرور بحران‌های بعدی و بروز آشکارتر لایه‌های گوناگون بحران‌های قبلی و حرکت‌های رو به جلو است.

بحران اعتماد متوجه عدم گرایش مردم به حمایت و تبعیت از بعضی از سازمان‌ها، نهادها و گروه‌های مرجع در رژیم حاکم است. زمانی که گروه‌های مرجع یک نظام حاکم در میان مردم از صدر به ذیل می‌آیند و نوع نگرش مردم به بعضی از سازمان‌ها و نهادهای موجود، منفی می‌شود و رفتارها و کنش‌های سلبی را نسبت به آن‌ها برمی‌سازد.

بحران اعتبار

اعتبار با واژگان ارج، ارزش، پشتوانه، آبرو، حیثیت، شرف، عرض، قدر، منزلت، نام، پندگیری، عبرت، سندیت، وجهه، تاثیر، نفوذ، تنخواه، سرمایه، مایه، اطمینان، اعتماد، مترادف آمده است.



هر گاه کلیت یک سیستم در نزد ذی‌نفعان آن دارای ارج و ارزش و پشتوانه‌های عینی و عملی باشند و علیرغم کاستی‌ها حفظ جایگاه، حیثیت و اشراف آن از سوی مردم پذیرفته شده باشد، آن سیستم دارای اعتبار است.

طبیعی است که از بین رفتن یا اختلال عمده و پیشروانه در آن نشان دهنده بروز بحران‌ها از نوع اعتبار خواهد بود.

بروز واگرایی در ابعاد ششگانه مکعب طلایی وحدت، یعنی:

وحدت فکری - ذهنی متمایل به اتحاد عملی - عینی

وحدت نخبگان - عاملیت ها -

وحدت ساختاری

وحدت ریختاری

وحدت بافتاری

وحدت بین بافتار و ساختار در بستر وحدت ملی موجب بروز ثانویه دلایل برهم ریختگی مشروعیت می‌شود.

بحران اعتبار تسری کلان پیدا کرده و در محیط‌های گوناگون حیات و نیروهای پیشران آن گسترش پیدا می‌کند. این در نتیجه نبود توانایی در حل بحران‌های سه گانه قبل است.





بحران اعتبار

بحران‌رهایی از اکنون‌زدگی

اکنون‌زدگی یا بهتر بگوییم اکنون‌ماندگی، اصطلاحی است که ما را به ماندن در حالِ زمان به گونه‌ای قرار می‌دهد که

میل بازگشت به گذشته یا توانایی بازگشت به آن وجود ندارد.

ترس از رفتن به آینده یا عبور از حالِ زمان در آن بسیار دیده می‌شود.

از این رو زمانی که عوامل‌رهایی از این اکنون‌زدگی فراهم می‌شود، سیستم‌های حکومتی دچار بحران‌هایی برای‌رهایی از اکنون‌زدگی از سوی تابعین و تلاش آگاهانه آن‌ها در قالب کنش‌های اجتماعی گوناگون می‌شوند که رویکردهایی متفاوت از طیف اصلاح طلب تا برانداز را در بر می‌گیرد.

با وجود این که در میان مردم و لایه‌های گوناگون اجتماعی، ترس از رفتن به آینده برای‌رهایی از وضع موجود، به سبب نداشتن تصویری مشخص از آن، بروز و ظهور پیدا می‌کند. ولی ناامیدی از تغییر وضع موجود در قالب‌های پذیرفته شده اصلاحات، و مقاومت هیأت

⁶ Now staying Crisis



حاکمه در برابر آن، موجب بروز ناامیدی از تغییر در ساختار و بافتار قدرت می‌شود و گرایش جامعه به سمت تحول، یعنی اصلاحات از پائین و به دور از خشونت، به عبور از قدرت سیاسی می‌رسد. حال اگر باز هم مقاومت‌های معنادار و تعریف شده از سوی هیأت حاکمه منجر به سرکوب شود میل به تحول به سمت انقلاب گرایش پیدا می‌کند. ترس از رفتن به آینده می‌ریزد. درنگ نسبت به آن چه جایگزین وضع موجود می‌شود، رنگ می‌بازد. جامعه بی‌هراس از آنچه در آینده خواهد آمد از فشار حال می‌گریزد. این جامعه خواهان تغییر می‌شود بدون این که دیگر به دغدغه «آینده چه خواهد شد؟»، اهمیت دهد.



بحران عبور از اکنون زدگی

بحران دگرگونی یا عبور از اصلاحات و ناامیدی از تحول

دگرگونی به دگرگونه شدن‌های بزرگی گفته می‌شود که از مرزهای تحول می‌گذرد و بعد از بروز ناامیدی از اصلاحات و مقاومت در برابر تحول‌های بایسته و شایسته برای گریز از دادن هزینه‌های متعلقانه و جهت‌گیری‌های بخردانه به وجود می‌آید. نه تنها هزینه‌های گوناگون



را افزایش که موجب بارش هزینه‌های غیرمترقبه و خونریزی‌های ناشی از خشونت‌های "خود افزایشده" می‌شود.

عبور از اصلاح و ناامیدی از تحول، ناشی از تخریب اندیشگی در بافت قدرت، و عملکرد ساختار و بافتار قدرت، تضلب و انسداد رفتاری و کنشی در آن است که در نهایت موجب ناامیدی کامل و طغیان‌های سخت خونبار بر علیه وضع موجود می‌شود و به نوعی انقلاب سخت نزدیک می‌شود.



مکعب فروریزش رژیم‌ها

در شماره بعد به مکعب فروپاشی رژیم‌ها پروا خواهیم داشت.



وضعیت آشوبناک و راه رفتن بر روی لبه فراکتال ها

به بهانه طرح موضع آینده نظام حکمرانی در ایران فردا

مهدی مطهرنیا

رئیس موسسه «اندیشکده آینده اندیشی سیمرغ- سیمرغ باریخ»

این روزها در جامعه بزرگ ایرانیان به واسطه بروز تحولات ناشی از جنبش اعتراضی ۱۴۰۱ شاهد بروز و ظهور موضوع های متنوعی حول محور آینده نظام سیاسی در ایران فردا هستیم. آینده ایران و ایران آینده مهم ترین ستون فقرات برپایی اندیشکده آینده اندیشی سیمرغ - سیمرغ باریخ - است. بر اساس این رسالت کارکردی است که موضوع هایی چون این عنوان، برای اندیشکده از اهمیت بنیادی برخوردار می شود. از این رو در این مجال کوتاه به تحلیلی اجمالی در این باب خواهیم پرداخت که: «چگونه این معنا و موضوع تا این حد در صحن عمومی جامعه برجسته شده است». برای پاسخ به این پرسش مسیر p۴ از p۶ را به صورتی ساده و تقلیل پذیرفته ؛ در اندازه های یک یادداشت پی خواهیم جست:

پیمایش

اخبار منتشره از محافل گوناگون خبری و همچنین توجه به شبکه های گوناگون اجتماعی، همراه با شنیدن گفت و گوها و مجادلات سیاسی در گروه های گوناگون و در شبکه های مختلف اجتماعی بیان کننده این معنا است که مسأله آینده نظام سیاسی در ایران فردا



بخواییم یا نخواستیم؛ درست یا نادرست وجود داشته و قابل ردگیری است. به عبارت فلسفی آن امری موجود است و نمی توان وجود آن در عالم واقعیت را نادیده انگاشت.

این امر سابقه دیرینه تری از امروز زمان دارد. بازنگری در نظام حکومتی و شیوه های حکمرانی در دنیای پرشتاب امروز دیگر امری به نسبت پویا است. نمی توان به عنوان امری ایستا به نظام های حکومتی در حال و پیش از حال، در آینده زمان نگریست. در آینده بیش از امروز نمی توان استدلال آورد که در جهت ایجاد ثبات معنادار و قابل تعریف یک کشور باید آینده خویش را در بستر یک نظام حکومتی بدون انجام تغییر مناسب با «دگرش های درونی» و متناسب با «گشتاورهای بیرونی» تعریف کند. تغییرات را نبیند و یا نپذیرد. خود را بازتعریف نکند و راه دگرگونی های مورد نیاز را منسدد کند. متصلب باشد و متحجرانه در برابر هر تغییری مقاومت سخت از خود به نمایش گذارد.

جدای از این امر ماهوی و واقعیت گریزناپذیر و گذیرناپذیر از منظر روایت های تاریخی درون حکومتی و برون حکومتی نیز بازنگری در قانون اساسی و نظام حکمرانی مورد پروا بوده است. سخنان رهبری نظام ج. ا. ایران در باب بازنگری ساختاری حکومت و تبدیل احتمالی آن از نظام موجود به نظام پارلمانی نیز در حافظه نزدیک زمانی ما قابل ردیابی است. در ضمن آن که رهبر نخست انقلاب اسلامی در ایران نیز جمله ای نزدیک به این منطق را بیان نمودند که در پنجاه سال پیش مردم رای دادند و نظام پادشاهی خانواده پهلوی را



خواستند. گیرم این خواسته درست و مشروع باشد اما اکنون نسلی دیگر است و خواهان تغییر در آن است.^۷

در خرداد ماه امسال و در آئین بزرگداشت رحلت بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران و قیام پانزده خرداد در سال ۱۴۰۱ بود که رهبری نظام ج. ا ایران در سخنرانی سالانه خود بر مزار رهبر انقلاب اسلامی در ایران، از خطر بازگشت به نظام پادشاهی سخن گفتند و اعلام داشتند عده ای به دنبال بازگشت ایران به نظام پادشاهی هستند.^۸

در همین حال در روزهای جاری بیش و پیش از هر چیز در محافل گوناگون سیاسی از جمعیت ها و جماعت ها تا گستره پریپهنای شبکه های گوناگون مجازی شاهد صحبت های بسیار و حتی مجادلات فراوان در ارتباط با شاکله ی آینده سیاسی در ایران فردا هستیم.

اصطکاک میان سلطنت طلب ها و مشروطه خواهان با جمهوریخواهان و طرفداران نظریه هایی چون فدرالیسم در ایران فردا، نمایانگر آن است که پژواک این موضوع در میان محافل

^۷ به چه حقی ملت ۵۰ سال پیش سرنوشت ملت بعد را تعیین می‌کند؟! / در صد یا صدوپنجاه سال پیش از این، یک ملتی، یک سرنوشتی و اختیاری داشته. او اختیار ماها را نداشته که یک سلطانی را بر ما مسلط کند. / مگر پدرهای ما، ولی ما هستند که در ۸۰ یا ۱۰۰ سال پیش از این سرنوشت ما را تعیین کنند. / مجلسی که بدون رای و بدون اطلاع و رضایت مردم تعیین شده، غیرقانونی است. / ما می‌گوییم که شما غیرقانونی هستید و باید بروید. / آیا ملتی که فریاد می‌کشد که ما این دولت‌مان، این شاه‌مان، این مجلس‌مان، خلاف قوانین است و حق شرعی و حق قانونی و حق بشری ما این است که سرنوشت ما دست خودمان باشد، آیا حق این ملت این است که در تهران یک قبرستان شهید برای ما درست بکند و در جاهای دیگر هم همین‌طور! / ما پنجاه سال است که در اختناق به سر برده‌ایم. نه مطبوعات داشتیم، نه رادیو و نه تلویزیون صحیح داشته‌ایم...

<https://www.entekhab.ir/fa/news/527364>

^۸ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50381>



گوناگون سیاسی منجر به تبدیل آن به یکی از مهم ترین مباحث در گستره ادبیات سیاسی ایران امروز شده است.

مسأله «وکالت» و در خواست رضا پهلوی از ایرانیان برای دادن وکالت و نمایندگی به وی برای مذاکره با طرف های دیگر در آن چه وی احقاق حق ایرانیان میخواند ؛ شدت پیدا کرد. پشتیبانی بخشی - هر چند محدود - از معترضان و عناصر پیشرو در اعتراضات سال جاری از وی همراه با موج موافق و مخالف با آن؛ در نهایت به طرح بیشتر این موضوع انجامیده است. توئیتر و کلاب هاوس از این معنا و مسایل مربوط به آن نشانه ها فراوانی را دارا است.

پایش

در پیش اخبار به دست آمده گزاره های متفاوتی را می توان بازدید.

(۱) ناامیدی نسبت به رهبری و مدیریت وضع موجود در میان مردم گسترده تر از پیش چهره آراسته است. طرح این موضوع در درون جامعه بزرگ ایرانیان به مخالفان نظام موجود محدود نمی شود؛ بلکه بازنگری در ساختار و اجزای آن در سطوح گوناگون قابل ردیابی است.

(۲) پژواک موضوع در صحن عمومی از جدی بودن این مباحث نسبت به گذشته در میان جامعه بزرگ ایرانیان نشان دارد. دیری از این زمان می توان ردپای نه چندان جدی نگارش قانون اساسی جدید برای ایرانیان را توسط عناصر و کنش گران مخالف ج. ا ایران یافت. اما، این تلاش ها چندان مورد عنایت نبودند. این در حالی است که در



وضعیت کنونی به نظر می رسد این مهم بیش از گذشته و بسیار جدی تر به میان آمده است.

۳) طیف وسیعی از نگرانی در این باب قابل مشاهده است. سخنرانی ۱۴ خرداد رهبری نظام ج. ا ایران پس از مصاحبه رضا پهلوی در ۱۳ خرداد و درست یک روز پس از این مصاحبه انعکاس زیادی پیدا کرد.

۴) طرح این مباحث بر محور بازگشت نظام پادشاهی و از سوی دیگر در بستر بروز بیش تر نارضایتی های موجود از عملکرد نظام در پاسخگویی به نیازهای مردمی در قالب تظاهرات معیشتی و تمایل شدیدی به تبدیل شدن این جماعت های معیشتی به تجمیع و تظاهر بر علیه نظم سیاسی و نظام حکومتی پیدا کرد.

۵) اشتباه استراتژیک سیاسی با محوریت یکدست کردن جامعه حاکمیتی - حکومتی به گونه ای که تمام قوا و زیرسیستم های آن ها یکدست با گفتمان انقلابی مرکزیت حاکمیتی و اعمال قدرت حکومتی باشد، بر این سرعت افزود. شتاب حاصل از این معنا دو پژواک را در سطح تحلیل کلان حاصل نمود:

- a. در تیررس قرار دادن حاکمیت و حکومت به جای دولت - قوه مجریه -
- b. شتاب تبدیل شعار ها و مخالفت های معیشتی - اقتصادی به شعارهای اجتماعی - سیاسی.



۶) جنبش اعتراضی اواخر شهریور و گسترش آن به مهر ماه تا اکنون اگرچه برای بسیاری قابل پیش بینی نشان نمی داد. اما، از سوی نگرش های تخصصی بیش از گذشته با هشدار روبرو شد. در سال های گذشته اندک متخصصین و پژوهشگرانی بودند که با احتمال طغیان مردم و حتی امکان آن اشاره می کردند. ولی در سال گذشته و جاری این هشدارها نسبت به گذشته بیشتر شد. نگارنده سال ۱۴۰۰ قبل از انتخابات این سال و بعد از آن فزون تر از قبل؛ با استعاره «مهرضیه» به احتمال طغیان در شهریور و مهر سال ۱۴۰۰ اشاره داشت. دامنه آن را با شدت از میانه مهر تا اواخر آذر دانست که دی و بهمن را در تیررس قرار می دهد و درپایانه فروردین ۱۴۰۱ دوباره بروز و تا شهریور سال آینده را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

بروز این جنبش اعتراضی بر شتاب طرح مسایل گوناگون افزود به گونه ای که شاهد ایجاد فضای بسیار پریهناتری نسب به گذشته در باب مسایل موجود برای آینده بودیم. اکنون در محور موضوع های مطرح در این باب "طرح آینده نظام حکومتی در ایران فردا" بیش از هر مطلب دیگری در ستون فقرات تحولات جاری مطرح و در محافل متعدد در حال پیگیری است.

پویش

در ردیابی مسأله می توان به موارد و محورهای ذیل عنایت داشت.

۱) تضعیف نظام موجود در پاسخگویی به نیاز های حال و درخواست ها برای آینده. نظام های سیاسی باید پاسخگوی نیازهای اکنون مردم و خواسته های فردای جامعه هدف خود باشند. اگر نظام های سیاسی نتوانند نیازهای امروز را که متوجه گذران زندگی در بافت موقعیتی مناسب برای مردمانشان باشد، فراهم کنند نارضایتی گسترده و میل به



دگرگونی افزایش می یابد. این نیازها صرفاً اقتصادی هم نیستند و مجموعه وسیع و پیچیده از نیازها را شامل می شوند که آشکارترین آن ها نیازهای اقتصادی و معیشتی است. در همین حال خواسته های فردای مردمان نیز وجود دارد و موجودیت عینی می یابد. به این معنا که با در نظرداشت وظیفه ذاتی حکومت برای بهبود و توسعه سطح زندگی مردمان جامعه ملی از دولت های مدرن توسعه پرشتاب به سوی وضعیت مطلوب و چشم انداز موعودی را خواستار هستند که حکام وعده رسیدن به آن ها را برای به دست گرفتن قدرت و حفظ آن مطرح کرده اند.

این موضوع زمانی از شتاب بیشتر برخوردار می شود که بدانیم در دوره ای از تطبیق گرایی جدید قرار گرفته ایم که من آن را «نوتطبیق گرایی» نامیده ام. نوتطبیق گرایی ما را نه تنها با بیگانگان در حال حاضر که با گذشته بیگانگان در مقام تطبیق با گذشته و حال ما، و همچنین تطبیق گذشته زمان ما با امروز زمان قرار می دهد. مثلاً ایران امروز را با نیم قرن پیش کره جنوبی و همچنین پنجاه سال پیش ایران همزمان تطبیق می دهند. اکنون ایران را نیز با پنجاه سال پیش از امروز به مقایسه می نشینند و سیر تحولات و پیشرفت های ایران در این پنجاه سال را با تحولات و پیشرفت های کره جنوبی یا امارات متحده عربی و .. مقایسه می نماید. ظهور فناوری های ارتباطی و شبکه های اجتماعی در سرعت بخشیدن به این فرایند کمک می کنند.

۲) فروریزش نظم موجود و نظام از گسترش سطح نفوذ منطقه ای و بین المللی و انباشت قدرت برای کسب پرستیژ بیشتر به بازگشت به موضع حفظ وضع موجود و صیانت از نظام در برابر امواج پرتلاطم تغییرات کدگذاری انجام شده در ارتباط با «خدای دهه



شصت، ناشی از این تلاطم و احساس آن در لایه های درونی از اواخر دهه ۸۰ تا ورود به سده جدید. ش بود. بر اساس این معنا به نظر می رسد مردم ایران از بحران «رهایی از اکنون زدگی» کاملاً عبور و با ورود به دوره ی جدید اعتراضات در حال گذاشتن نقطه ی پایان به «بحران عبور از اصلاحات» هستند. این معنا بازگشت به اصلاحات و بهره برداری از آن را سخت می کند و عبور از ماه های آینده می تواند این مهم را امکان ناپذیر سازد.

۳) نظام سیاسی در پرتو یکدستی حاکمیتی - حکومتی و استقرار گفتمان انقلابی نمی خواهد و گاه نمی تواند به اصلاحات تن دردهد یا به اصلاح طلبان برای مدیریت وضع موجود اعتماد نماید. اصلاح طلبان نیز در این مسیر دچار لغزش های ماهوی و در حال بازی بر سطح واقعیت های لغزنده ای هستند که نمی توانند از یک سوی در نیروهای اجتماعی فراگیر خواهان تحولات بزرگ جای گیرند و از سویی دیگر به تغییرات کوچک و محدود بسنده نمایند. نه پائین جایی دارند و نه به بالا راهی دارند.

از سویی نمی توانند با عنوان اصلاح طلبی و در درون گفتمان حاصل از آن در کنار نیروهای اجتماعی خواهان تحولات بزرگ و نیروهای سیاسی خواهان دگرگونی نظام سیاسی بنشینند و از سویی نمی توانند در میان هیأت حاکمه و هسته سخت قدرت جایی برای ایجاد تغییرات قابل قبول هواداران در حال ریزش خود فراهم سازند. اصلاحات در هیات حاکمه مسدود شده است و در میان مردم دیگر قابل پذیرش همگانی و هواداری مثبت - حداقل به اندازه گذشته ی مطلوب خود - نیست.



۴) امید به تغییر و دگرگونی از دگرش ها و گشتارهای محدود به امید به دستیابی به تغییرات بزرگ و حتی انجام انقلاب تمایل پیدا کرده است. جنبش اعتراضی اخیر با شعار جهان شمول «زن، زندگی، آزادی» و گستردگی بیش از پیش از ایجاد اتحاد عملی برای ایجاد تغییر - بیش از گذشته - در میان جامعه بزرگ ایرانیان غیر قابل کتمان است. این معنا موجب شده است که علیرغم تزاخم ها و منازعه های طبیعی و صناعی میان ایرانیان در داخل و خارج کشور میل بیشتر و اقدام عملی شایسته تر نسبت به گذشته زمان؛ برای ایجاد وحدت عملی میان ایرانیان انجام یابد.

۵) ایران امروز با توجه به آن چه در همگرایی شدید برای تحت فشار قرار دادن ایران در مجامع بین المللی چون سازمان ملل متحد، و از سوی اتحادیه اروپا دیده می شود در معرض «**دیده بانی جهانی**» قرار گرفته است و در آینده نزدیک این دیده بانی و اثرات آن بیشتر خود نمایی خواهد کرد.

این می تواند مقدمه ای برای تحت فشار قراردادن فیزیکی ایران و انتقال پرونده از بخش های سیاسی - بین المللی به حوزه نظامی - منطقه ای برای افزایش سطح برخورد فیزیکی با تهران باشد. پیش بینی سیمرغ باریخ متوجه الگوگیری از همین سطح پویش و ردیابی و احتمال تحت فشار دادن بیش تر تهران در سطوح عملیاتی تر نسبت به گذشته است. رویکرد جهانی نشان از :

a. اولیت استراتژیک ایران

b. اولویت استراتژیک چین

c. و الوهیت یا غایی بودن گسترش جهانی یا حداقل بین المللی ناتو



توسط آمریکا در چشم انداز قرن حاضر در نظم نوین جهانی است. از این رو ایران در آینده نزدیک در مرکز اهمیت استراتژیک تغییرات قرار دارد.

پردازش

به نظر می رسد که آینده تلاطمات در سطوح دهگانه پیشران ها و پیشرانه های موجود در آن ها مدل تغییرات ناشی از ضعف درونی و فشار بیرونی را در آینده پژوهی موضوع برجسته می کند. رویکردهای موجود نشاندهنده تمایلات شدید به گسترش ضعف درونی و حمایت از بیرون در چارچوب گسترده تر تحریم های اقتصادی و زمینه پروری و زمینه سازی برای انجام عملیات نظامی از «امکان به سمت احتمال و انجام» است. روی کار آمدن دست راستی ترین کابینه در اسرائیل در نیم قرن اخیر و احتمال رقابتی شدن مجدد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بین دو حزب دموکرات و جمهوریخواه به گونه ای که مسایل سیاست خارجی را به امری بس موثر در نتیجه انتخابات تبدیل کند نیز می تواند بر الگوی پیش رو اثر گذارد. این معنا پس از نتیجه انتخابات میان دوره یی کنگره آمریکا بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است. گروهی رقابتی بودن انتخابات را برای نظام جمهوری اسلامی ایران شایسته می بینند . چرا که می اندیشند درگیری های جناحی بین دو حزب اصلی آمریکا آن ها را از موضوع ایران دور می کند . این در حالی است که در بافت موقعیتی رقابتی در انتخابات آمریکا با توجه به اهمیت مسایل داخلی و هم وزنی دو حزب در این مسایل با یکدیگر در وزن کشی انتخاباتی است که عرصه ی سیاست خارجی و ایجاد یک مقوله صناعی در آستانه انتخابات را برای جلب آرا مورد عنایت بیشتر قرار می دهد.



۶) از منظر منطقه ای نیز ایران در چارچوب فشار منطقه ای از نظر اقتصادی ، سیاسی ، و حتی اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. کشورهای رقیب چون عربستان، ترکیه، امارات متحده عربی و کابینه اسرائیل به نمایش قدرت روبه افزایش خود پرداخته اند. در چارچوب نوتطبیق گرایی پیش گفته می توان گفت اکنون این موارد منطقه ای افزوننده به شتاب تحولات داخلی و فشار های بین المللی موجب شده است تا زمینه های مطرح شدن بافت های موضوعی گوناگون به ویژه آینده نظام سیاسی در ایران را آشکارتر به صحن عمومی اجتماع آورد.

۷) با عنایت به همین بافت موقعیتی در درون و منطقه و نظام بین الملل همراه با سیر تحولات است که موضع گیری سران کشور را در باب هر مسأله ی کوچک و بزرگی با پیامدهای مهم همراه می سازد. هر گونه سویه گیری به جلو و یا عقب گرد از مواضع در وضعیت «آشوبناک» قرار دارد و وضع موجود را در «لبه فراکتال» ها قرار می دهد.



پرواز سیمرغ بر فراز ایران اکنون؛

شاهین شرقی

عضو هیأت مدیره و مدیر اجرایی موسسه اندیشکده

سیمرغ باریخ - اندیشکده سیمرغ باریخ -

اسطوره سیمرغ در خوانش عطار نیشابوری روایت گروهی از مرغان گوناگون است که در راه رسیدن به کوه «قاف» به سیمرغ متحول شده اند. وقتی از پرواز سیمرغ بر فراز ایران اکنون سخن می‌گوییم، سی مرغی را مد نظر داریم که با وجود اجزای هویتی متنوع در هیاتی واحد متشکل شده است. کوه «قاف» که مرغان عطار در سفری متحد رهسپار آن شدند، برای ایران اکنون، جامعه دسترسی باز با نهادهای فراگیر (آزاد، دموکراتیک و مردم محور) و ایرانی سرافراز برای همه ایرانیان است.

ایرانیان امروزی با تنوع و تکثری که دارند، باید در آیینه های «اندیشه و تفکر» و «مدیریت و راهبری» وحدت عام و صورت واحدی از خویش ببینند تا بتوانند خود را فانی در جمع (برای جامعه ایران) بگردانند.

بازخوانی نوین سیمرغ عطار، داستان عاقلانه و عارفانه ای که ربط وحدت و کثرت را با زبانی شیرین و ماندگار به تمثیل کشیده است، نسخه علاج ما برای فهم چیستی و چگونگی گذار است.



- اندیشه ورزی و تجربه زیسته، دو بال سیمرغ

برای گذار از وضعیت بحران زده و پرچالش و رسیدن به جامعه امن و آزاد و برخوردار، ناگزیر از به کار بستن توامان فکر و عمل (تجربه) هستیم. عمل بدون تعمق و ژرفا نگری های ذهنی بدون عمل ابتر هستند. بی نتیجه می مانند و پیامدی از خود به جا نمی گذارند.

تقسیم بندی و همکاری دو نهاد فکر و عمل، مقدمه تبیین و ارائه راه حل برای بسیاری از مسائل در دوران گذار می شود. از معیارهای مهم عقلانیت و توسعه، توجه توانایی های فکری و قدرت ساماندهی در نخبگان است. در جامعه دو گروه مهم نخبه وجود دارد؛ کسانی که صاحب فکر و اندیشه هستند و کسانی که قدرت اجرایی دارند. برای نیل به جامعه توسعه گرا و سرافراز، باید میان این دو گروه نخبه اجماع نظر و همکاری به وجود بیاید. نخبگان فکری اندیشه، گفتمان و نهاد تولید می کنند و نخبگان اجرایی ساختارها را می سازند.

لازم به ذکر است که در کنار اصل مهم «الحاق اندیشه و عمل» نیازمند رعایت اصول مهمی مثل نظم، قاعده پذیری، داشتن روحیه همکاری گروهی، مسئولیت پذیری و آینده اندیشی توسط نخبگان هستیم.



تعبیر ما از استعاره سیمرغ افسانه‌ای، همکاری حداقل سی نفر نخبه شایسته علمی و اجرایی است که در کنار هم بتوانند با همکاری یکدیگر، گفتمان، نهادها و ساختارهای تحول را برای تغییر وضعیت بحرانی و گذر از کوهسارهای آتشفشانی ایجاد نمایند و مآلاً جامعه همراه خویش را به بالای کوه قاف به معنای نیل به جامعه آزاد و مردم سالار و توسعه گرا برسانند. افراد اندیشه ورز که توان تحلیل و تشریح اندیشه و گفتمان سازی دارند پره‌های یک بال سیمرغ را شکل می‌دهند و افراد کارآفرین، خلاق و مدیر، پره‌های بال دیگر سیمرغ را شکل می‌دهند.

مهم است که پرها و بال‌های سیمرغ مهب‌های اندیشه ورزی و تدبیر و اجرا و کارگروهی و همکاری مشترک باشند. در این شرایط است که امکان پرواز و گذر از موانع فراهم می‌شود.

شکی نیست که مردم کشور ما در فرآیند آگاه شدن هستند و در این رهگذر نیازمند یادگیری از نخبگان علمی و اجرایی هستند.

بی‌اهمیت جلوه دادن نقش نخبگان اندیشه ورز و کنش‌گر با عبارات پوپولیستی نظیر «مردم بهتر می‌فهمند، یا هر چه مردم بخواهند» خروجی مناسبی برای منافع عمومی نخواهد داشت. مسلم است که رای مردم مهم و ملاک است، اما آنچه پوپولیستی است، آن است که اذهان مردم را برای انتخاب یک نفر و یا انتخاب یک فرم و نظام معطوف کنیم و از اصل و ریشه، از مفاهیم اساسی تری مثل توزیع قدرت (توسط نخبگان فکری و اجرایی) و دموکراسی و آزاد اندیشی بمتابه سبک زندگی دور کنیم. اسطوره سیمرغ عطار، مردم را به فهم ارزش کوشش جمعی و همکاری و هم‌نوایی



متکثر در عین وحدت دعوت میکند و از فردگرایی و گرایش فرمالیستی در مورد انتخاب نظام مطلوب پرهیز میدارد. سیمرغ افسانه‌ای مرغانی دست در دست هم هستند که در مصاف با چالش‌ها آبدیده شده‌اند و میتوانند جامعه را به وضعیت ازاد و دموکراتیک و مردم محور رهنمون گردانند.

ضرورت خلق آینده نظام مردم سالار و توسعه گرا ایجاب میکند که چشم انداز مشترک و گفتمان تغییر و نهادها و ساختارهای مطلوب را ایجاد کنیم و بدین منظور، اولاً باید باور داشته باشیم که از میان خودمان در داخل و خارج کشور، نخبگان شایسته‌ای وجود دارند که میتوانند مرجع جامعه برای چگونگی عبور از گردنه‌ها باشند. دوم آنکه وظیفه جمعی ما است که نخبگان شایسته و دارای اهلیت در میان خودمان را شناسایی کنیم و آنان را به دیگران نیز معرفی کنیم چه آنکه اصلح‌ها با اقبال عمومی شناخته میشوند. مهم آن است که برای تشخیص اهلیت و شایستگی افراد معیار و ضابطه داشته باشیم و همینطور شناختی از عناصر تخصصی لازم را برای ترکیب و چینش یک مجمع میان رشته‌ای و فرارشته‌ای عالی داشته باشیم.

- پره‌های رنگارنگ، شایستگی،

ترکیب میان رشته‌ای یا فرارشته‌ای

به اعتقاد نگارنده نخبگان فکری، سرآمدان دانشمندان، نظریه پردازان و افراد سرشناس و صاحب سبک با امتیازات و رتبه‌های علمی هستند .



نخبگان اجرایی سرآمدان مدیریت و کارآفرینی و خلاقیت و هنر هستند و معیار انتخاب تجربه زیسته آنان است .

شناخت بحران های فعلی و مسائل مبتلا به جامعه ایران و میزان فهم و یادگیری از تجارب بین المللی از دیگر معیارهای قابل اعتنا در تشخیص نخبگان اجرایی میباشد.

ترکیب تخصصی، تنوع رنگ پرهای سیمرغ

چنانچه شمار مرغان سیمرغ مطلوب ما همان عدد سی باشد، در مجموعه راهبری گذار، پانزده جایگاه برای عالیجنابان دانشمند در رشته های زیر :

توسعه،

جامعه شناسی،

فناوری،

اقتصاد،

امنیت بین المللی،

محیط زیست،

فرهنگ و ارزش،

رسانه و ارتباطات،

دفاع،

هنر،

حقوق،



فلسفه،

علوم،

دین پژوهی،

آینده اندیشی

و پانزده جایگاه برای عالیجنابان مدیر، کارآفرین و هنرمند در رشته‌های تخصصی زیر :

مدیریت و راهبری،

سیاست خارجی و روابط بین الملل،

آب و زیست پذیری،

انرژی،

کار و کسب،

تجارت بین الملل،

اقتصاد کلان،

قومیت ها و سیاست داخلی،

کار و رفاه و عدالت اجتماعی،

ورزش،

فرهنگ و هنر،

دفاع و امنیت،

شهرسازی،

آموزش و رشد،



بهداشت و درمان،

سی مرغی که سیمرغ شوند "راهبری" ما به سوی جامعه مطلوب و نیل به جایگاهی شایسته در بین ملت های جهان را شکل خواهند داد.



- چکیده مقاله:

پیش بینی روند تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوران پسا مهسا (۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳)

نویسنده: کوروش براریور

آینده پژوه آزاد، مدیر عامل بنیاد توسعه پایدار ایران و عضو افتخاری اندیشکده

سیمرغ باریخ

با مقدمه ای از:

اندیشکده سیمرغ باریخ

مقدمه سیمرغ باریخ بر گزارش مقاله حاضر: پیش‌بینی روند تحولات سیاسی- اجتماعی ایران در دوران پسا مهسا (۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳) با قلم کوروش براریور تقدیم حضور می شود.

اصل مقاله که به آینده ایران، فرجام ج.ا. و مدل حکمرانی مطلوب در ایران می پردازد، توسط نویسنده محترم - بنیادگذار بنیاد توسعه پایدار ایران و از اعضای اندیشکده آینده اندیشی سیمرغ «سیمرغ باریخ»، برای چاپ به مجله علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناسی ایران ارسال شده است.

اندیشکده سیمرغ باریخ در سال گذشته با عنوان «مهرضیه» موضوع مورد علاقه این مقاله را بیان و نسبت به شروع احتمالی - شدنی ناآرامی ها در شهریور و مهر سال ۱۴۰۰ پرونده یی را در خرداد سال ۱۳۹۹ بازگشوده بود. در راتای همین موضوع بر اساس روش کیفی به احتمال گسترش این رویداد ها و تبدیل آن ها به یک روند معنادار برای اواخر فروردین تا پایان شهریور ماه سال ۱۴۰۱ نیز آن را با استعاره هایی معنادار و قابل تعریف متذکر شده بود. اندیشکده به شیوه فدون رهبر شک گرایان در



یونان باستان به هیچ وجه صدر صد معنایی را مطرح نمی کند . اما این مقاله باور دارد که بر اساس مطالعات اثبات گرایانه تر خویش این استعاره سیمرغ باریخ نه یک آینده نگری که یک پیش بینی و آینده بینی است.

چکیده:

مقاله پیوست، یافته‌های مطالعه‌ای را ارائه می دهد که به تحلیل روند و پیش‌بینی آینده تحولات سیاسی- اجتماعی ایران در برش زمانی ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ می‌پردازد. مطالعات این پژوهش با هدف ارائه راه‌حلی در گذر مسالمت‌آمیز ایران از وضع موجود به وضعی مطلوب (و مورد درخواست مردم ایران) به انجام رسیده است. مطالعات این پژوهش در صدد ارائه پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

- ۱) آیا ایران در زمان اکنون در وضعیتی انقلابی قرار دارد؟
- ۲) آیا جنبش‌های اعتراضی ایران از نوع جنبش‌های اجتماعی انقلابی‌اند؟
- ۳) آیا خیزش‌های اعتراضی مردم ایران در ۱۴۰۱ به بعد، موجودیت نظام ج. ا. ا. را نشانه رفته‌اند؟ (یا کلیت آنرا؟)
- ۴) خیزش‌های اعتراضی مورد بحث، مطالباتی از نوع اصلاح را طلب می‌کنند یا تغییرات رادیکالی از جنس اسقاط را؟ و چرا؟
- ۵) وقوع کدامیک از آینده‌های زیر برای نظام سیاسی مستقر در ایران (ج. ا. ا.) محتمل‌تر خواهد بود و با چه احتمالی: الف) سرنگونی؟، ب) فروپاشی؟، پ) واژگونی؟ یا ت) ماندگاری؟



۶) آیا وقوع محتمل‌ترین گزینه در بند ۵، آینده‌ای با دگرگونی‌های مثبت را برای ایران رقم خواهد زد؟ اگر آری، تحت چه شرایطی؟

۷) نهادسازی مدنی برای گذر مسالمت‌آمیز ایران از وضع موجود چگونه می‌تواند جامعه آن کشور را از تله خودویرانگری برهاند؟

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد: نظام ج. ا. در رابطه سیستمی‌اش با مردم ایران، طبیعت، نظام جهانی (و حتی کارگزاران و رهبران) اغلب در نقش «آزارگر» از شریکان سیاسی-اقتصادی و اجتماعی‌اش «قربانی» می‌گیرد.

شهروندان معترض ایرانی در نقش قربانی و در اعتراض به چنین دو نقشی (آزارگر و قربانی) دست به خیزش‌های ناگهانی (و غالباً انفجاری) با دوره‌های تکرار کاهنده و دوره‌های کاری فزاینده می‌زنند.

بر پایه مطالعات این پژوهش؛ رفتار اعتراضی مردم ایران از یک دنباله هندسی با قدر نسبت یک‌چهارم پیروی میکند.

پایش جملات دنباله مورد اشاره که هر یک نمایانگر یک دوره از خیزش‌های اعتراضی است نشان می‌دهد: محتمل است خیزش خشونت‌پرهیز بعدی مردم ایران، (۵/۸ ماه پس از خیزش سراسری مهر ۱۴۰۱) در نیمه دوم خرداد ۱۴۰۲ رخ دهد.

در ادامه چنین روندی محتمل است؛ این خیزش‌ها پس از تکرارهای پیاپی در برش زمانی‌آمرداد تا شهریور ۱۴۰۲، نهایتاً در مهر ۱۴۰۲، در سطح قانون ۳/۵٪، در وضعیت پایانی خود حول مقدار نهایی‌اش به تعادل ناپایدار برسد.

قانون ۳/۵٪ به وضعیتی اشاره دارد که جمعیت معترضان در پایتخت به ۳/۵٪ از کل جمعیت ایران برسد.



بر مبنای یافته‌های تکمیلی این مطالعه؛ ج. ا. پس از طی پنج نیمه‌عمر به ترتیب در تیر ۸۸، آذر ۹۸، آبان ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲ و تیر ۱۴۰۳ (و بدون طی نیمه‌عمر ششم) احتمال سرنگونی‌اش از کمابیش ۵۳٪ در شهریور ۱۴۰۲ به حدود ۱۰۰٪ در تیر ۱۴۰۳ رو به فزونی می‌رود.

با توجه به بی‌انسجامی اپوزسیون، احزاب و گروه‌های سیاسی ایران در شرایط کنونی؛ راه‌حل پیشنهادی این پژوهش جهت نایل آمدن مردم ایران به مطلوب‌هاشان بر شکل‌بخشی به نهادی مدنی به‌منظور هدایت سازوکارهای تغییر در عصر پسامهسا (و در گذر از ج. ا.) تاکید دارد.

مطالعه امکان‌سنجی این پژوهش حول انتقال مسالمت‌آمیز قدرت از ج. ا. به مردم ایران در دوره گذار با هدایتگری یک نهاد مدنی مستقل داخلی (اشاره شده در بالا)، احتمال همکاری بازیگران سوی حکومت با آن نهاد را (دست‌کم تا یکم دی ۱۴۰۱)، محتمل نمی‌داند.

بنابراین محتمل است رهبران ج. ا. چون گذشته با درپیش‌گیری رویه‌های لجبازانه به سیاست مدارا و مصالحه با مردم ایران روی نیاورند. این امر سبب می‌شود تا ج. ا. زیر فشار آب‌بحرانی دامنه‌دار و مدت‌دار و در فرایندی غیرمسالمت‌آمیز، پس از طی زمانی کمابیش نه ماهه (از مهر ۱۴۰۲ تا تیر ۱۴۰۳) به فرجام سرنگونی دچار شود.

○ یافته‌های این پژوهش در صورتی معتبر خواهد بود که سه فرض زیر برقرار است:

۱ - محتمل است جنبش‌های اعتراضی ایران از حمایت‌های نظام جهانی و همراهی معترضان خاموش (ساکت) و خاکستری برخوردار شود



- ۲) مرگ فردی کلیدی در ایران (یا عدم قطعیتی مشابه آن) که موجب بالا رفتن شتاب و شدت تحولات سیاسی- اجتماعی آن کشور می شود و لحظه اوج اعتراضات را به زمانی جلوتر پیش می اندازد، در برش زمانی ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ محتمل نباشد.
- ۳) بروز عدم قطعیتی غیر قابل پیش بینی که لحظه اوج اعتراضات مردم ایران را به زمانی دورتر پس می اندازد، نا محتمل باشد.

پاینده ایران

